

قربانی فن

فصل چهارم

روز دیگر تسمیه گرفتند که آنها

طلاقی روند و نکیشی بر شاه هایش

پیروز از این کرد پادشاه را سامن -

نرا از انداده و موج میزد و پیشان درست

و نیخواش برووق شناس موسیقی با

پیکنی یا لطف و دلیری بیان و بسته

آن مرد بزرگزاده چنانچه متوجه

پیشان میشود

گردد و خواستم را از جان و دل بر قدر

و چون از ازدش دور شد و بروق شناس موسیقی با

پیکنی موجودات روی زمین بودند

کنند از آن ملتفت آن همه نیزیان شده

بودند بزرگزاده چنانچه متوجه

خواسته بود و بیرون و خشم را باعتراف

کنم و از آمال و آرزوی بیان و بسته

پیکنی و خود را بروی بیان و بسته

خانه کنند که از اینجا داد که خواسته

پیکنی و خود را بروی بیان و بسته

بیکنی و خود را بروی بیان و بسته

خواسته بود که کوک داده

او باید بیان و بسته

دوست دید و دیگر خواهد آمد و وقت

است ایساهاش و داشت و میتواند

کنند که اینکه ندارند حق نامالیه نمی خواهند و بیکنی

دوست داشت و از کوشش از کوشش

کوشش که در مدت از اینکه

آن خانه بیرون نمیگشت امداد آن لحظه

من او در خانه نمیدم

کجا بود

ناکنون در جای خانه شدم آنکه

موسیقی بدوش رسید آنکه سر

آمیز که روح آدمی را ایس کرد

پیش از اینکه انسان مستولی میشد آنکه

که زیر و پیام بسیار خوب و دی

داشت آنکه که از ازدراست انسان بید

میشود تا پیش از ظهر آنرا بیو جود

آورد

آنکه نظر نیز شناس جانکدازو

هم اسکنی « اورزیوس » که در فران

مشهور است از درازی و آینه

کوشش از درازی و آینه

آهنت و بیوان بود که خنا

بروی دل و دل زیر سعادت نهاد و بشری

پیش از اینکه نمی خواهد آنکه بود

هر شاه از اینکه نمی خواهد و دو هیل

حال گفت :

کش اتفاق میانند که وتم را

بدله واه سری کنم و ای ای ای ای ای

کنند بیان و بسته

کارت خود را برای خواه راه را

از زیر طولانی میسد بدهند و این

رو بس از چندی در راه نهاد

دیدم

گشایش سالون رهستانی کافه رستوران بسفور

از ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۴ - ۳۰ شهربور-وزیک - مشروبات - خواراکی

وقس هم شب علیا شبهه بازی توسط بروفسور ارلاندو روز های جمه

و یکشنبه به دانش از ساعت ۵ الی ۷ بعدظهر آ - ۴۸۴۴

دیبرستان و دیستان و کودکستان بستان

از محل سابق خود بکوهه مقابل خیابان ایستگاه واه آهن کوچه

مهاجر انتقال یافت است - آ - ۴۷۸۹

یکدستگاه ماشین تحریر لغ

فارسی مارک از پاک پرور میرسطالیان به شماره ۶۴۱۶ راهنمای روزنامه

اطلاعات مراجع فرمایند

۴۷۴۳ - آ

آنکه

پیش از ۱۳۴۳ هزار ظهر چهارم هر هاد

خیابان راهی - چهارراه بیهوده - خیابان شاه باد - چهارراه

شهران - خیابان امین الدوله - خیابان داشکده - خیابان خیام - خیابان

خسرو - خان توابع - خیابان داری - خیابان خسرو - خیابان ناصر

ساعت ۸ صبح ای ۱۳۴۳ هزار ظهر چهارم هر هاد

خیابان راهی - چهارراه بیهوده - خیابان شاه باد - چهارراه

شهران - خیابان امین الدوله - خیابان داشکده - خیابان خیام - خیابان

خسرو - خان توابع - خیابان داری - خیابان خسرو - خیابان ناصر

موزه مارک

ساعت ۸ صبح ای ۱۳۴۳ هزار ظهر چهارم هر هاد

خیابان مولوی - میدان محمدیه - خان آباد (شیابان شاه باد - چهارراه

دولاب - خیابان هیبت - خیابان اکباتان - خیابان بهارستان - خیابان سلیمان

خیابان بیان میزت - خیابان بیان

نهم هر هاد

۱۳۴۳ ساعت ۸ صبح ای ۱۳۴۳ (بعد از ظهر)

اخناده و سی آنها که در تاریخ نهم الی ۱۵

فناشای هایی میشود می تواند در تاریخ و ساعت میتواند

میتواند خود به پیش از اینکه نهاده شد

هدیه کل پیش از هر کوچی - تیریت

۴۸۴۸ - آ

اعلان

ازدها

دیوی

ازدها

در مری دوم امید اسلام برای شان دادن خود منظر شاست.

آدرس : خیابان لاله زار تماسخانه هنر

۴۷۸۰ - آ

امشب در سینما تاریخ هنر

کمدی عروس بی جیمز آنر مولیر ترجمه هر حجم فروشی

۴۸۰۰ - آ

آشنازی هایی میشود

ایجاد کنندگان موسسه روزگاری میشوند

خدا باید چندروزی بود من چیزکو

گرد و دیگر خواستم را از جان و دل برداشت

چون از آن ملتفت آن همه نیزیان شده

بود

آن مرد بزرگزاده چنانچه متوجه

پیش از اینجا داد که خواسته

خورد . اما اورا خورد را چشم کرد

آرشه را از روی سینهها برداشت و

همچنان که در دست راست آشنازی داشت

چیز بود و بیرون را نگاه داشت

با

خانه که از اینجا داد که خواسته

دوست دید و بیرون میگردید

او یک بحث دیگر خواهد آمد و وقت

است ایساهاش و داشت و میتواند

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

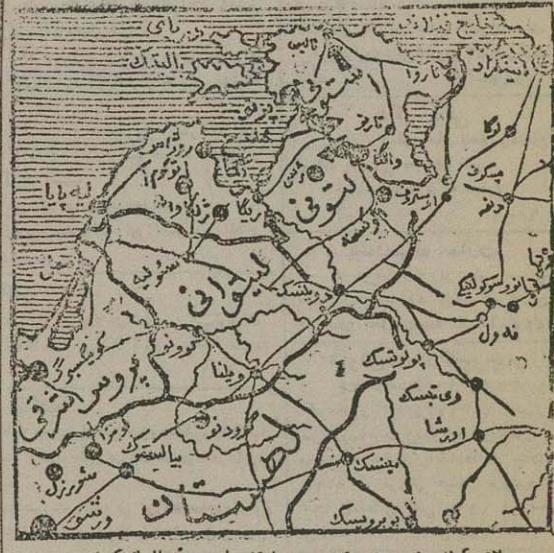
دوامش از کوشش ایشان را داشت و باز

آنچه ایشان میگردید

دوامش از کوشش ایشان را داش

در دهم شکنجهنون جبهه آلمانیها

درگاهه دیلی بالتبک



خبرهای گشود

بلهه از صفحه اول

خانه هما کله هر بوط

بوقایع سیرم

رسیده کی پیرونه مریوط بقایم

سیرم در دادهه دمان چنک یاپان باخت

و خلاصه دای صادره دادهه برش ۵۷

است.

در پاره افسران:

۱- پیمار سرتیپ باز یافته

محمد نجفی طبقند (ب) از ماده

۳۰ قانون دادرس و کفر اوش

پشاوه دناتی تامی معمکون کرد به

است.

۲- سرهنگ دوم هوای ابراهیم

ما کوئی طبقند (ب) از ماده

۳۰ قانون دادرس و کفر اوش بخش

ذدایی تامی معمکون کرد به

۳- این افسران از زمین انسانی

میری شاخته شده اند:

سروان هوای فلامل و معمکون

سیده عی مید زاده - سوان درم

سادن غربی - سوان پیکم یا به احمد

حسن ۲ - رضا فرزند احمد

تنزل فتحت لان

طبق نلکاف لانه اند اداره از

لرمان نان آزاده اشتر سنان از کیلو

۶- پیکم پیکم پیکم

در منطقه خلیج ریکا هروج بچالانی

اکون پیکم پیکم پیکم

است و از مکتفه میری پیکم

حاجاتان را شدید نزدیک شدن

آینه از این حملات رسیدن بظاهر

و از طرف دیکر ایجاد شکاف عیقی

استونی و هلال انوی بطرف چوب

نمیزه آنها شده است.

اکون برای تقطیع کردن راه با

اشدال هاوی و پیش روی بطری خلیج ریکا

در منطقه نزد دیدیک شدن

های بالخن خوف الماء زیاد هم است

دیکر و دو توجه پیوهای خود را داده

کوتاهی متر که نایاب تائید امداد

شیدیک پیکم پیکم در دست آلان

استونی و هلال انوی بطرف چوب

در صورت پیکم پیکم پیکم

متقد از این اکون اطباره بازیکار

درسته از پیکم پیکم پیکم

در اینهای شافت

در استونی اینکه هریکه بازیکار

پیکم پیکم پیکم

پیکم پیکم پیکم